

حقوق بین‌الملل و تحریم‌های ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا

توحید محمدزاده¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره 3، پیاپی 79، پاییز 1398؛ صفحات 120 - 95

تاریخ پذیرش نهایی: 1398/11/18

تاریخ دریافت: 1398/10/25

چکیده

نظام حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک نظام حقوقی غیر سازمان‌یافته، در تضمین اجرای قواعد خود با مشکلات زیادی روبرو است. نظام حقوق بین‌الملل در نتیجه فقدان سازوکارهای نهادین برای مقابله و مجازات نقض حقوق بین‌الملل، شناسائی حق هر دولت در توسل به اقدامات متقابل (خودیاری) برای مقابله با نقض تعهدات بین‌المللی و جبران خسارات وارده از جمله آنهاست. استفاده برخی دولت‌ها از تحریم اقتصادی، بدون وجود مجوز قبلی شورای امنیت و خارج از سیستم امنیت جمعی منشور سازمان ملل متحد، باعث شده تا مشروعیت این اقدامات از حیث انطباق آنها با موازین حقوق بین‌المللی با شک و تردید همراه باشد. برخی تحریم‌کنندگان در توجیه اقدامات خود به اصل آزادی دولت‌ها در برقراری یا قطع روابط تجاری خود با سایر دولت‌ها استناد می‌کنند. در پاره‌ای از موارد نیز استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاست ملی دولت‌های قدرتمند به شمار می‌رود. با این حال، هدف نهایی از اجرای تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه هر چه باشد، باید تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در چارچوب معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در آن لحاظ شود. عدم توجه به آثار زیان‌بار تحریم‌ها بر وضعیت کلی حقوق بشر در کشور هدف، نه تنها مشروعیت این اقدامات را از بین می‌برد، بلکه به موجب حقوق بین‌الملل مسئولیت‌هایی برای دولت یا دولت‌های تحریم‌کننده ایجاد می‌کند. این مقاله عدم مشروعیت تحریم‌های آمریکا علیه ایران را سنجیده و یک ارزیابی از عدم انطباق آن با قوانین حقوق بین‌الملل و آثار این تحریم‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

حقوق، تحریم، حقوق بین‌الملل، مشروعیت تحریم.

1. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

مقدمه

استفاده غرب از ابزار تحریم علیه ایران، تاریخ نسبتاً طولانی دارد. نمونه‌های اولین تحریم‌ها، به دهه ۳۰ برمی‌گردد، زمانی که انگلستان در تلافی ملی کردن صنعت نفت، برای خریداران نفت ایران تعقیب قضایی در نظر گرفت و در نتیجه این سیاست، بسیاری از کشورها تمایلی به خرید نفت ایران نشان نمی‌دادند. بعد از انقلاب اسلامی نیز به غیر از بازه زمانی پیروزی انقلاب تا ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ این اقدام تا به امروز بارها علیه جمهوری اسلامی ایران تکرار شده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی و اولیه، تحریم‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی علیه ایران اعمال شده‌اند را می‌توان به تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های چندجانبه تقسیم کرد. تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم‌هایی هستند که عموماً از جانب ایالات متحده آمریکا و به دلیل سیاست خصمانه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده‌اند. تحریم‌های چندجانبه تحریم‌هایی هستند که بعد از سال ۱۳۸۵ و طرح موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت، به موجب قطعنامه‌های این شورا علیه ایران طراحی و اعمال شده‌اند. در حالیکه تحریم‌های چندجانبه با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت لغو شدند، اما ایالات متحده مشیء خود را در حفظ و افزایش تحریم‌های یک‌جانبه تثبیت کرده است. مسأله‌ای که به نظر می‌رسد با قواعد بین‌المللی انطباقی نداشته و نامشروع است. در این پژوهش به بررسی عدم مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه علیه ایران خواهیم پرداخت. تحریم‌های یک‌جانبه نیز به دو نوع تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های غیراقتصادی قابل تقسیم است. تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی که عموم تحریم‌های یک‌جانبه را شامل می‌شود مواردی چون تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، کمک مالی خارجی و غیره را در بر می‌گیرد و تحریم‌های یک‌جانبه غیراقتصادی معمولاً با ادعای نقض حقوق بشر علیه اشخاص خاصی اعمال می‌شود و مواردی چون تحریم دارایی و تحریم مسافرتی را در بر می‌گیرد.

تعریف مفاهیم

1. تحریم

برای تحریم تعریف‌های زیادی وجود دارد که تعریف کامل آن عبارت است از: امتناعی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی



خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول.

با وجود چنین تعریفی، کاربرد عملی آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و حسب مورد خرید یا فروش کالا و خدمات تولیدی مورد تقاضای یک دولت خاص از او دریغ می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات، یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه در تحریم‌ها، عنصری از تنبیه وجود دارد، اما صرفاً به‌منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور مورد تحریم نیست. در واقع، هدف آن ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. عده‌ای نیز مهم‌ترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند. تحریم‌های اقتصادی بسته به دایره تحریمی کشورها علیه یکدیگر و یا نوع گروه‌های تحریم‌کننده قابل تقسیم‌بندی می‌باشند.

تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به تحریم اولیه و تحریم ثانویه تقسیم کرد. در تحریم ثانویه این دایره گستره می‌شود تا حدی که کشور تحریم‌کننده اقدام به تحریم روابط اقتصادی با کشورهایی می‌کند که با کشور مورد هدف تحریم اقتصادی ارتباط برقرار می‌کند. البته گاه این نوع تحریم‌ها به تعیین مجازات بر شرکت‌ها و کشورهایی که اقدام به برقراری ارتباط اقتصادی با کشور مورد هدف تحریم مبادرت می‌ورزند منجر خواهد شد. قانون "داماتو" به‌عنوان تحریم علیه شرکت‌ها و کشورهایی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند نمونه‌ای از این دست می‌باشد.

از سوی دیگر، گاه تحریم‌ها از جانب شرکت‌ها و گروه‌های مردمی و خصوصی علیه یک کشور انجام می‌شود مثل تحریم مردم هند علیه استعمار انگلیس یا تحریم بازرگانان چینی علیه اشغالگران ژاپنی و یا گاه تحریم‌های اقتصادی می‌تواند اقدامی ملی از سوی یک دولت یا دولت‌هایی باشد. از منظر دیگر، تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به تحریم‌های یک‌جانبه یا چندجانبه کشورها یا تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت علیه کشورها تقسیم کرد. در حاضر تحریم‌های اقتصادی عمدتاً از سوی آمریکا و یا اتحادیه اروپا و یا تحریم‌های جمعی توسط سازمان ملل را شامل می‌شود.

2. حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل که از شعبات حقوق عمومی است، همان حقوق جامعه بین‌المللی

می‌باشد؛ یعنی مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرائی که ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم‌کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این رشته حقوقی، بر حقوق ملی یا داخلی کشورها تقدم و اولویت داشته و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (دولتی) ملزم به رعایت این قواعد در روابط خود هستند. البته حقوق بین‌الملل در موارد خاصی، حقوق و تکلیف اشخاص حقیقی عادی، شرکت‌های خصوصی خارجی (از جمله شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی)، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز مشخص می‌کند.¹

3. تحریم اولیه و تحریم ثانویه

تحریم‌های یک‌جانبه بر دو نوع است: تحریم اولیه و تحریم ثانویه. در تحریم اولیه کشوری مانند آمریکا شرکت‌های آمریکایی را که با ایران رابطه داشته باشند، تحریم می‌کند یا به‌طور مستقیم شرکت‌های ایرانی را مورد تحریم قرار می‌دهد. تحریم‌های ثانویه آن است که آمریکا شرکت‌های غیر آمریکایی را که با ایران مبادلات دارند، تحریم می‌کند. تحریم‌های ثانویه به لحاظ حقوقی مبنایی ندارند. در واقع، بعد از قطعنامه شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌ای ایران بهانه لازم به آمریکایی‌ها داده شد و توانستند مشروعیت کسب کرده و با ایجاد اجماع بین‌المللی تحریم بین‌المللی عجیبی علیه ایران اعمال کنند.²

در جامعه بین‌الملل همه کشورها به یکسان، تابع مقررات حقوق بین‌الملل و نظم عمومی بین‌المللی نیستند. به همین دلیل در اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد برای مطیع کردن کشورهای متجاوز از حربه‌های گوناگون از جمله تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌شود که در ماده ۴۱ منشور سازمان ملل شاهد تجلی تنوع این موارد هستیم. با این حال، هنوز هم عده‌ای تحریم اقتصادی را از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی تلقی می‌کنند. برخی نیز بر این باورند که تحریم اقتصادی جایگزینی مناسب برای ضمانت اجرای نظامی است.

1. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، 1385، ص 10
2. توکل حبیبزاده، تحریم در منشور سازمان ملل، فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه تهران، دوره 45، 1394

4. ماده 41 منشور

تحریم اقتصادی با هر هدفی که باشد کشورهای گوناگونی را مورد خطاب قرار می‌دهد، اعم از کشور تحریم‌شونده و طرف‌های تجاری. سازمان ملل متحد با اعمال تحریم به دنبال نوعی تغییر رفتار در کشور متخلف است، اما لازم نیست این رفتار لزوماً دارای منشأ مادی و عینی باشد.

هدف تحریم‌ها چیست؟

احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله اصول اولیه برای اعضاء سازمان ملل است؛ اگرچه کشورهای قدرتمند هیچ یک به تعهدات خود پایبند نیستند و همواره بی‌احترامی به حقوق کشورها را از راه‌های مختلف دنبال می‌کنند و تحریم علیه یک کشور و مردم آن سرزمین از جمله نقض آشکار حقوق ملت‌هاست.

تحریم‌ها طیف وسیعی از اهداف سیاسی را تعقیب می‌کنند که تنها بخشی از آنها به‌طور رسمی اعلام می‌شود و بخش مهمی از آنها اعلام نمی‌شود؛ از این رو، تعیین دقیق اهداف تحریم‌ها با مشکلات فراوان رو به روست. به‌طور کلی، مطالعات انجام شده در این حوزه، اهداف تحریم‌ها را به چهار دسته اصلی تقسیم می‌کنند:¹

هدف تحریم‌ها	
نخست، تغییر رفتار	دوم، مجازات
سوم، علامت‌دهی	چهارم، بی‌ثباتی کشور

1. تغییر رفتار

یکی از اهداف عمده تحریم‌ها، اجبار کشور هدف به تغییر سیاست یا رفتار خود منطبق با خواست یا اهداف سیاسی کشور واضع تحریم‌ها، مانند رعایت هنجارهای بین‌المللی یا اعاده به وضع قبلی است. از جمله این تحریم‌ها می‌توان به تحریم ایتالیا توسط انگلستان و جامعه ملل (۱۴-۱۳۱۳ شمسی) برای تحمیل عقب‌نشینی از حبشه و تحریم‌های سازمان

1. حمیدرضا نیکوگفتار صفا و علی ردادی، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر الگوی اردن)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره 66، بهار 1394



ملل علیه عراق (۶۹-۱۳۶۸ شمسی) برای عقب‌نشینی رژیم صدام از کویت و اجازه اتمام بازرسی‌ها به بازرسان تسلیحاتی این سازمان اشاره کرد. در مورد ایران، یکی از مهم‌ترین اهداف تغییر رفتار ایران در پرونده هسته‌ای قلمداد می‌شود.

2. مجازات

هدف دیگر اعمال تحریم تنبیه کشور هدف است. این تنبیه، نه لزوماً برای اعاده اوضاع به حال سابق، بلکه بیشتر برای ایجاد بازدارندگی و ممانعت از تکرار آن رفتار از سوی کشور هدف و سایر کشورهاست که به روشن شدن رفتارهای غیر قابل قبول و ایجاد استانداردهای بین‌المللی درباره رفتارهای مشروع کمک می‌کند. برای مثال، تحریم‌های ایالات متحده در سال ۱۳۳۸ علیه کوبا برای آن بود که سایر کشورهای آمریکای لاتین از خط‌مشی‌های دولت «فیدل کاسترو» الگوبرداری نکنند.

3. علامت‌دهی

وضع تحریم‌ها می‌تواند حاوی این پیام برای هم‌پیمانان تحریم‌کنندگان باشد که مواضع اعلامی از سوی واضع تحریم‌ها با اقدام عملی همراه است. در این باره گفته شده است، تحریم‌های پرهزینه توسط یک قدرت جهانی، نشان‌دهنده عزم آن قدرت جهانی بوده و دیگر کشورها را برای پیوستن به آن تحریم ترغیب می‌کند. برای مثال، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا یک سال پیش از تصمیم‌گیری درباره حمله به عراق در سال ۱۳۶۹، تحریم اقتصادی را در دستور کار قرار دادند. شاید این تحریم بهترین وسیله‌ای بود که می‌توانست قاطعانه مخالفت با اشغال کویت را به رژیم صدام اعلام کند.

4. بی‌ثباتی کشور

در برخی موارد، هدف از تحریم‌ها بی‌ثبات‌سازی برای سرنگونی دولت یا نظام سیاسی آن کشور هدف است. برای مثال، تحریم کوبا توسط آمریکا در سال ۱۳۳۸ به‌منظور سقوط «فیدل کاسترو» به‌عنوان دولتی با سیاست‌های ضد امپریالیستی بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقلال و آزادی از بند مستکبرین، اعمال تحریم و تهدیدها همواره ابزاری در دست قدرتمندان برای به‌زانو در آوردن جمهوری اسلامی ایران بوده است. اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران توسط کشورهای بی‌که عضو سازمان

ملل و از مدعیان حقوق بشر هستند را می‌توان در چندین مورد دسته‌بندی کرد: تحریم اقتصادی، تحریم علمی، آموزشی و مطالعاتی، تحریم سیاسی، تحریم فروش تسلیحات نظامی و غیره.

- ✓ تحریم علمی و تحقیقاتی؛ (تحریم شرکت‌ها و نهادهای تحقیقاتی ایران مانند مرکز تحقیقات تولید سوخت هسته‌ای اصفهان)
- ✓ تحریم‌های تجاری و بازرگانی؛ (جلوگیری از عضویت تجارت جهانی، افزایش تعرفه صادرات کالا به ایران، افزایش تعرفه واردات کالاهای ایرانی و...)
- ✓ تحریم‌های ارتباطی و عبور و مرور؛ (جلوگیری از پرواز هواپیماهای جمهوری اسلامی ایران از آسمان سایر کشورها و پهلوگیری ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در بنادر خارجی و...)
- ✓ تحریم اقتصادی؛ (جلوگیری و قطع واردات بنزین به ایران، جلوگیری و قطع صادرات نفت و گاز از سوی ایران، جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملیتی در صنایع نفت و گاز ایران)
- ✓ تحریم‌های رسانه‌ای و ماهواره‌ای؛ (تحریم ایمیل‌های ایران همانند اعمال برخی محدودیت‌ها توسط دو شرکت گوگل و یاهو و حذف ایران از شبکه‌های ماهواره‌ای)
- ✓ تحریم‌های دارویی؛ بر اساس ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کسی حق دارد خود و خانواده‌اش طبق استانداردهای مناسب سلامت و رفاه از جمله مراقبت‌های پزشکی لازم زندگی کنند، در حالی که ما هر روز شاهد اخباری تکان‌دهنده در مورد تعدادی از زنان و کودکان بیمار در بیمارستان‌ها هستیم که به دلیل کمبود دارو با مرگ دست به گریبانند.

در ماده بیست و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هرکس حق دارد که سطح زندگی سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از جهت خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در هنگام بیکاری، بیماری، نقض اعضا، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.»

«مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند



شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند حق دارند که همه از حمایت اجتماعی برخوردار شوند.»

اثرات تحریم دارو بیش از همه توسط بیماران سرطانی، هموفیلی، تالاسمی و نیز بیماران دیالیزی کلیه احساس می‌شود، در حالی که هیچ یک از این گروه‌ها قادر نخواهند بود که با تأخیر و یا قطع دارو مواجه شوند. این تحریم‌ها در تقابل آشکار با حقوق اساسی ملت‌ها به‌ویژه زنان و کودکان در مسیر توانمندسازی آنها قرار دارد.

به‌طور کلی می‌توان سه دلیل عمده در مورد تحمیل تحریم‌های آمریکا بر ایران ذکر کرد:

✓ وادار کردن ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایند در برابر آمریکا؛

✓ معجزات ایران برای اتخاذ سیاست‌های غیرقابل قبول؛

✓ ابراز مراتب مخالفت نمادین با ایران به‌منظور جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل.¹

حق امنیت اجتماعی، اقتصادی، علمی، ارتباطی و ... طبق ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر محترم شمرده شده است، در حالی که تناقض در رفتار و اعمال کشورهای توسعه‌یافته، از یک طرف مبین ناکارآمدی سازمان ملل در پیگیری مطالبات برحق ملت‌هاست و از طرف دیگر موجب زیر سؤال رفتن استقلال این سازمان به‌عنوان سازمانی که باید با عدم وابستگی در مسیر احیای حقوق تمامی ملت‌ها و برقراری صلح جهانی اقدام نماید، شده است، در حالی که طبق ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، کشورهای امضاءکننده متعهد می‌شوند از هرگونه عملی که در توانمندسازی کشورهای دیگر اختلال ایجاد می‌کند، پرهیز نمایند.

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید:

«هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، به‌ویژه از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت‌ها، وضعیت اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از همه حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند شود.»

بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا

1. وبسایت رهبر معظم انقلاب اسلامی، 1385/04/01

بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد، اما جامعه جهانی هر روز بیش از پیش شاهد انواع فشارهای گوناگون کشورهای توسعه‌یافته علیه کشورهای در حال توسعه است.

از این‌رو، تلاش برای دستیابی به ماهیت اصلی سازمان ملل به‌عنوان سازمان پاسداشت حقوق ملت‌ها با تغییر ساختاری و اصلاح مصوباتی که زمینه‌ساز نفی تبعیض و اعمال دوگانه معدودی از کشورها علیه اکثریت دیگر می‌باشد، از جمله ضروریات برای توانمندسازی کلیه کشورهای عضو و دستیابی به صلح و عدالت جهانی است.

دیدگاه حقوق بین‌الملل در زمینه تحریم‌ها

در مورد دیدگاه حقوق بین‌الملل نسبت به تحریم‌ها چندین نگاه و رویکرد وجود دارد که پنج رویکرد زیر توضیح‌دهنده همه نگاه‌هاست:

1. نظریه حاکمیت دولت



رویکرد حاکمیت دولت در مورد مشروعیت جنگ اقتصادی، قدیمی‌ترین مکتب فکری در حمایت از تحریم است. طبق این نظریه، جامعه بین‌الملل، یک جامعه شکل‌یافته نیست، بلکه مجموعه‌ای از واحدهای اساساً مستقل است؛ از آنجایی که کشورها دارای حاکمیت هستند، بنابراین می‌توانند در تنظیم روابط خارجی خود با دیگر دولت‌ها آزادانه عمل کنند و توسل به تحریم نیز جزو اختیارات حاکمیتی دولت‌ها قرار می‌گیرد.

2. نظریه بی‌طرفی

این نظریه، جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک دولت علیه دولت دیگر را مجاز می‌داند، اما

به دنبال آن است که اثرات زیان‌بار آن را بر طرف‌های ثالث به حداقل برساند.

3. نظریه منع حقوقی

این نظریه جدید که از نظریات اقتصادی - سیاسی کلاسیک لیبرال ناشی شده، تحریم را منع می‌کند. اینها حامیان تجارت آزاد هستند و هرگونه اختلال عمدی و آگاهانه در جریان طبیعی معاملات را موجب خسارت به اقتصاد جهانی می‌دانند.

4. نظریه اخلاق بین‌المللی

با توجه به این که یک حکومت جهانی وجود ندارد، دولت‌هایی که قصد دارند از طریق اعمال تدابیری چون توسل به تحریم، درصدد ترغیب دولت خاطی به تبعیت از معیارهای بین‌المللی برآیند، در حقیقت تلاش می‌کنند تا خود را در جایگاه افسر پلیس بین‌المللی و مقام حاکم در جامعه بین‌المللی قرار دهند. توجیه توسل به تحریم این است که جنگ، غیر اخلاقی بوده و شدیدترین عامل برهم زنده ثبات در نظام بین‌المللی است. از این‌رو، تحریم‌ها به مثابه نوعی جنگ اقتصادی مرجح بر برخوردهای نظامی هستند.

5. نظریه آثار تحریم‌های بین‌المللی

علاوه بر آنچه گفته شد، برای تردید در مشروعیت توسل به تحریم‌ها به مغایرت آثار آن با اهداف مورد تعقیب در اتخاذ تحریم‌ها، به مسائل گوناگونی توجه نشان می‌دهند که از جمله تعارض آن با اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حق توسعه است.¹

در بررسی رویکردهای مختلف به حقوق بین‌الملل و مقایسه آن با اعمال کشورها به‌ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی به این نتیجه می‌رسیم که اقدامات تحریمی کشورها علیه یکدیگر در بسیاری از موارد به‌رغم ممنوعیت‌های حقوقی، در حال گسترش است. از مهم‌ترین اقدامات تحریمی یک‌جانبه آمریکا در سال‌های اخیر تحریم کشورهای نظیر ایران، عراق و لیبی بوده است.²

1. امیرساعد وکیل، 1392، تحریم در حقوق بین‌الملل، وکالت آنلاین، قابل دسترسی در آدرس: <https://www.vekalatonline.ir/articles/34439/>

2. ابوذر گوهری مقدم، سایت بصیرت، 15 اسفند 1387، قابل دسترسی در آدرس: <https://basirat.ir/fa/news/78129/>



منطق تحریم‌های اقتصادی چیست؟

با توجه به آنچه گفته شد، دلیل و منطق اعمال هر تحریم اقتصادی، دست‌کم یکی از موارد زیر است:

- ✓ تمایل به نفوذ در سیاست‌های یک دولت یا حتی تغییر در رژیم آن؛ در این مورد می‌توان به اقدام تحریمی آمریکا علیه فیدل کاسترو و مانوئل نوریگا اشاره داشت.
- ✓ مجازات یک دولت برای سیاست‌هایی که در پیش گرفته است؛ بین جنگ‌های جهانی اول و دوم برخی کشورها به‌منظور تضعیف توان نظامی یک کشور دست به تحریم زده‌اند. همچنین می‌توان به تحریم‌های تحمیل شده علیه آفریقای جنوبی در مقابله با سیاست آپارتاید اشاره کرد.
- ✓ نمایش نمادین اعتراض به سیاست‌های دولت مورد نظر؛ جالب اینکه تحریم‌هایی که در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ لهستان صورت گرفت، برای اعمال اصلاحات در حقوق داخلی آن کشور بوده است. در جمع‌بندی باید گفت که غالباً محورهای زیر برای اعمال تحریم‌ها مورد استناد قرار می‌گیرند:

«تخریب محیط زیست، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، قاچاق مواد مخدر، نقض حقوق کارگران، مقابله با مصادره اموال بیگانگان، ترغیب به اصلاح بازار، تجاوز به حقوق بشر، مقابله با پناه دادن به جنایتکاران جنگی، نفی کمونیسم و دفاع در برابر تجاوز نظامی»^۱.

ماهیت حقوقی تحریم

در بررسی ماهیت حقوقی تحریم به دنبال آن هستیم تا بدانیم آیا قاعده، ماده یا اصل حقوقی وجود دارد که اجازه تحریم‌های حقوقی را به کشور یا سازمانی بدهد؟ احراز ماهیت حقوقی تحریم، چه از منظر حقوق خصوصی و چه از منظر حقوق بین‌الملل واجد پیامدهای بسیار مهمی است. در واقع، شناخت مبانی آن ما را در جهت تبیین این موضوع رهنمون می‌کند که آیا در حوزه روابط ناظر بر حقوق داخلی کشورها، تحریم‌ها صرفاً بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی تأثیرگذار خواهند بود یا ارکان صحت قرارداد را نیز مخدوش خواهند کرد؟ به همین ترتیب، در چارچوب اصول نظام حقوقی بین‌المللی، درک درست از تحریم

به ما این امکان را می‌دهد تا دریابیم توسل به تحریم تحت چه شرایطی و در پرتو کدام الزامات ممکن است مشروع شناخته شود.

مبانی مختلفی برای قانونی تلقی شدن تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل قابل استناد است. یکی از مبناهایی که می‌توان یاد کرد اقدامات «تلافی‌جویانه غیر قهری» است. توسل به این اقدامات در جایی موضوعیت دارد که دولتی در مقابله با اقدامات زیان‌بار و یا نامطلوب دولت دیگر اقدام به تلافی کند. این اقدام نباید متضمن نقض هیچ تعهد بین‌المللی باشد. از این‌رو، در مواردی که تحریم‌های یک‌جانبه فراتر از تدابیر تزیینی شورای امنیت وضع شده‌اند و نه در شرایطی که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، قراردادهای تجاری انعقاد یافته یا معاهدات دوجانبه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، تعهداتی ناظر بر همکاری، آزادی تجارت، پرهیز از تبعیض در رفتار با اتباع متعاهدین و غیره در روابط فی‌مابین دو دولت حاکم باشد، توسل به این مبنا موجه شناخته نخواهد شد. به عبارتی، می‌توان گفت اقدامات تلافی‌جویانه غیر قهری، در واقع، اقدامات غیردوستانه هستند.

برخلاف مقابله به مثل، مقصود از توسل به اقدامات تلافی‌جویانه غیر قهری، واکنش منطبق با حقوق بین‌الملل به اعمال غیر قانونی یک دولت است که در حیطه صلاحیت سرزمینی خود انجام می‌دهد، اما منافع یا حیثیت دولت دیگر را خدشه‌دار می‌کند، مانند اعمال عوارض گمرکی بالاتر. مبنای دیگر برای تحریم نهاد حقوقی، اقدامات متقابل است. بر اساس موازن حقوق مسئولیت بین‌المللی، هر عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی برای ناقض تعهد بین‌المللی را به بار می‌آورد. اقداماتی که یک دولت در برابر اقدامات غیر قانونی دولت دیگر به کار می‌گیرد، هر چند خودبخود خلاف هستند، اما از آنجایی که در واکنش به یک عمل متخلفانه صورت گرفته‌اند واجد وصف متخلفانه نمی‌باشند و از همین‌رو مرتکب آن از مسئولیت بین‌المللی معاف است.

بنابراین، وجاهت توسل به اقدامات متقابل، احراز و اثبات این واقعیت است که دولت هدف تحریم، مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی شده است و همچنین اینکه دولت اقدام‌کننده باید از اقدام غیر قانونی مورد نظر خسارت دیده باشد. در همین راستا، عامل توجیه‌کننده تحریم‌های یک‌جانبه، مفهوم ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل است. مجازات یا ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل به هر اقدام قاهرانه‌ای اطلاق می‌شود که در جامعه بین‌المللی به دلیل فقدان نهادهای متمرکز متصدی کارکردهای تقنینی، قضایی و اجرایی،

دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی در برابر تخلف، با ابتکار خویش بدان دست می‌برد. تحریم اقتصادی از آن دسته مفاهیمی است که اگرچه ماهیت سیاسی دارد، اما خود را به شکل حقوقی نمودار می‌کند. این‌گونه تحریم‌ها در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل به‌ویژه از سوی دولت‌های غربی و شورای امنیت علیه کشورهای مستقل یا مخالف سیاست‌های غربی به کار می‌رود. تحریم‌های اقتصادی حتی با قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل که کشورهای غربی سهم ممتازی در شکل‌گیری آن داشته‌اند تطابق ندارد. در واقع، یکی از اهرم‌های اصلی تحریم‌های اقتصادی، محدودیت دسترسی به منابع اقتصادی است که طی آن دولت هدف یک شریان اصلی که نیازهای مادی جامعه از طریق آن برآورده می‌شود را از دست می‌دهد و نبود ثروت موجب می‌شود تا منابع لازم برای توسعه کشور و به تبع آن پیشبرد اهداف حقوق بشری موجود نباشد.

دادگاه لاهه و نقش آن در رفع تحریم‌های یک‌جانبه

دیوان بین‌المللی دادگستری، مستقر در «کاخ صلح» شهر لاهه واقع در کشور هلند، اصلی‌ترین بازوی حقوقی و قضایی سازمان ملل محسوب می‌شود و وظایفی از جمله رسیدگی به اختلافات قانونی میان کشورها (در صورت ارجاع پرونده به دیوان) و ارائه مشاوره حقوقی به آژانس‌های تخصصی و نهادهای مختلف سازمان ملل را به عهده دارد. دادگاه لاهه که در سال ۱۳۲۳ به موجب منشور سازمان ملل به شکل کنونی خود تأسیس شد، ۱۵ قاضی دارد که توسط مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل برای دوره‌ای ۹ ساله انتخاب می‌شوند. این قضات سپس از میان خود، رئیس و نایب رئیس انتخاب می‌کنند. در حال حاضر، «عبدالقوی احمد یوسف» از کشور سومالی، رئیس و «شو هانکین» از چین، نایب‌رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری هستند. دیوان بین‌المللی دادگستری به خودی خود اختیار کافی برای ملزم کردن کشورها به اجرای احکامش را ندارد و تنها در صورتی صلاحیت اجباری پیدا می‌کند که دو طرف مراجعه‌کننده به دادگاه، رسماً به وساطت دیوان رضایت داده و اعلام کرده باشند که حکم دیوان را لازم‌الاجرا می‌دانند.^۱ طبق قوانین سازمان ملل و دیوان بین‌المللی دادگستری، اگر دو کشور متخاصم به

۱. خبرگزاری مشرق، ۱۱ مهر ۱۳۹۷، چرا حکم دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا مهم است؟،

قابل دسترسی در آدرس: <https://www.mashreghnews.ir/news/899167>

حکمت دیوان رضایت بدهند، آن‌گاه حکمی که دیوان صادر می‌کند، برای هر دو طرف، الزام‌آور است. با این حال، اگر یکی از طرف‌ها از اجرای حکم دیوان سر باز بزند، باز هم دیوان به تنهایی نمی‌تواند ضامن اجرای حکم خود باشد. طبق سازوکار تعریف‌شده، در این شرایط، طرف متضرر حق دارد پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل ببرد و این شورا در صورت صلاحدید، پرونده را بررسی خواهد کرد.

یکی دیگر از ابعاد بی‌عدالتی در دیوان بین‌المللی لاهه از همین‌جا مشخص می‌شود که کشوری مانند آمریکا، عضو دائم شورای امنیت است و حتی اگر پرونده شکایت ایران از تحریم‌های یک‌جانبه این کشور به شورای امنیت هم راه پیدا می‌کرد، واشنگتن می‌توانست به راحتی با وتوی حکم این شورا، عملاً این پرونده را مخومه کند. شکایت ایران از آمریکا در دادگاه لاهه، اگرچه ممکن است در عرصه اقتصادی تأثیرات ملموسی نداشته باشد و یا چنانکه گفته شد، منجر به لغو تحریم‌های واشنگتن علیه ایران نشود، اما بدون شک اقدامی قابل تقدیر و گامی درست بود. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به نفع جمهوری اسلامی می‌تواند دولت ترامپ را در شرایط حساس کنونی تحت فشار سیاسی قرار دهد و حرکت آمریکا در مسیر انزوای بین‌المللی را بیش از پیش تسریع کند.

پیشینه شکایت‌های ایران از آمریکا در دادگاه لاهه

تاکنون جمهوری اسلامی ایران برای دادرسی در مورد برخی مسائل پیش آمده، سه بار به این دیوان طرح شکایت کرده که هر سه آنها علیه ایالات متحده آمریکا بوده است. بار اول پس از سانحه حمله آمریکا به هواپیمای ایرباس در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷، که منجر به شهادت شمار زیادی از هموطنانمان شد، بار دیگر هم در پی انهدام سکوهای نفتی ایران در سال ۱۳۷۱ به دست آمریکا و شکایت سوم در سال ۱۳۹۵ در خصوص توقیف دارایی‌های ایران ارائه شد.^۱

دولتمردان ایران چهارمین شکایت خود علیه آمریکا برای خروج غیرقانونی از برجام را تنظیم و به لاهه ارائه کردند. البته در این دادگاه دو شکایت هم علیه ایران، یکی در سال ۱۳۳۰ از سوی دولت انگلیس به دلیل ملی شدن صنعت نفت و دیگری شکایت آمریکا در سال ۱۳۵۸ به واسطه تسخیر لانه جاسوسی طرح شد.^۲

1. باشگاه خبرنگاران جوان، جایگاه دادگاه لاهه در جامعه بین‌الملل، 6 شهریور 1397، قابل دسترسی در آدرس: <https://www.yjc.ir/fa/news/6647122>

2. باشگاه خبرنگاران جوان، همان

تحریم هدفمند

تحریم هدفمند به تحریم‌هایی گفته می‌شود که در آن تلاش بر این است مردم عادی و اشخاص ثالث از شمول محدودیت‌هایی که شورای امنیت یا سایر کشورها اعمال می‌کنند، استثناء شوند. این امر در راستای انسانی شدن تحریم انجام می‌شود. تحریم اقدامی زورمندانه علیه اشخاص و نهادهایی خاص است که دسترسی آنها محدود گردد. در مورد تاریخ تحریم نیز باید گفت که این امر به زمان قاجار برمی‌گردد. در دوره ملی شدن صنعت نفت نیز تحریم خرید نفت از ایران توسط انگلستان اعمال شده است. بعد از انقلاب نیز همزمان با تسخیر لانه جاسوسی، تحریم‌های آمریکا که اولین آن مسدود کردن اموال ایران بود توسط آمریکا اعمال شد. بعد از این برهه نیز در زمان‌های مختلف و با بهانه‌های مختلف مانند حمایت از تروریسم، برنامه هسته‌ای و غیره تحریم‌های مختلف علیه ایران اعمال شده است.^۱

تحریم اقتصادی و حقوق بشر

یکی از انتقادات بر تحریم اقتصادی این است تحریم اقتصادی خواه‌ناخواه با حقوق بشر سازگاری ندارد و خود ناقض حقوق بشر است. در حال حاضر بیش از ۱۰ قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت صادر شده و اهمیت این تعداد از این جهت است که در هنگام لغو تحریم‌ها باید همه را از بین برد که به راحتی امکان‌پذیر نیست. همانگونه که برای تصویب هر کدام از این قطعنامه‌ها امکان وتوی آنها از سوی پنج قدرت دائم شورای امنیت وجود دارد، برای لغو آنها نیز این قابلیت وجود دارد. در واقع، آمریکا خود می‌تواند لغو هر یک از قطعنامه‌ها را وتو کند. خطرناک بودن قطعنامه‌های شورای امنیت به جهت الزام‌آور بودن آن برای سایر کشورهاست. ایران بعد از انقلاب تا سال ۱۳۸۴ ذیل تحریم‌های شورای امنیت قرار نداشت؛ از این رو، می‌توانست تحریم‌های آمریکا را دور بزند و پیش رود. تحریم‌های شورای امنیت به تحریم‌های یک‌جانبه مشروعیت بخشید. تا قبل از تحریم‌های شورای امنیت اروپایی‌ها با تحریم‌های فرا سرزمینی آمریکا مخالفت می‌کردند، اما بعد از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت آنها نیز اقدام به تحریم‌های یک‌جانبه کردند.

کمیته تحریم شورای امنیت از جمله ارکان فرعی شورای مزبور است که در راستای فصل

۱. توکل حبیب‌زاده، تحریم در منشور سازمان ملل، همان

۷ منشور تشکیل شده است. این کمیته از ابزارهای اجرای تصمیمات شورا محسوب می‌شود. در بعضی قطعنامه‌ها ملاحظات انسان‌دوستانه وجود دارد؛ مانند استثنای دارو و استثنای مواد غذایی. مفاد هر قطعنامه به جدی گرفتن کمیته تحریم برمی‌گردد، در صورت عدم جدی گرفتن این کمیته امکان دور زدن تحریم فراهم می‌شود.^۱

تحریم‌های اقتصادی به سبب ارتباطی که با نقض حقوق افراد خصوصی پیدا می‌کند با ضوابط حقوق بشری نیز در تعارض قرار می‌گیرد. از این رو، در قوانین و مقررات حاکم بر تجارت بین‌المللی که تجلی آن در سازمان جهانی تجارت است، اعمال تحریم اقتصادی بسیار محدود و تا حدودی غیر ممکن است. همچنین این تحریم‌ها با سلب یا محدودیت حق توسعه دولت‌ها با نسل سوم حقوق بشر موسوم به حقوق همبستگی ارتباط می‌یابد. مجازات‌های اقتصادی بیشتر بر اساس تصمیم‌گیری شورای امنیت ذیل فصل هفت منشور باعث قطع مراودات تجاری می‌گردد و دولت تحت مجازات را از تبادل کالا و سرمایه در بازارهای جهانی منع می‌کند. مجازات‌های اقتصادی ممکن است خطوط هوایی را مسدود کند، روابط دیپلماتیک را بسیار زیاد محدود سازد، مانع از سرمایه‌گذاری شود و بلوکه شدن سپرده‌های خارجی دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی چگونه می‌توان زندگی اتباع دولت‌های مورد هدف را از آثار چنین محدودیت‌هایی مصون داشت یا دست‌کم استانداردهای زندگی را برای آنان فراهم کرد.

تحریم‌های سیاسی

فاز اول تحریم‌های سیاسی - دیپلماتیک به رویه دولت آمریکا در ممنوع کردن صدور روایید برای اتباع و مسئولان ایرانی مربوط می‌شود. نمونه اخیر این تحریم‌ها، عدم صدور ویزا برای سفیر و نماینده دائم تعیین شده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در فروردین ۱۳۹۳ است. تحریم‌های سیاسی - دیپلماتیک آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با حمله حزب الله لبنان به پایگاه آمریکایی‌ها در بیروت و کشته شدن ۲۴۱ نفر از نیروهای آمریکایی به دستور «رونالد ریگان» تشدید شد. ریگان، جمهوری اسلامی ایران را وارد لیست دولت‌های حامی تروریسم کرد. این اقدام موجب تحریم‌های دیگری در حوزه‌های تجاری - صنعتی و سیاسی - دیپلماتیک از جمله محدودیت‌هایی در حوزه سرمایه‌گذاری، خرید و

فروش شرکت‌های آمریکایی با ایران شد. علاوه بر این موارد، دولت آمریکا در محافل سیاسی دیپلماتیک بین‌المللی مانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر، شورای امنیت و... به اتخاذ سیاست تهاجمی و خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران مبادرت می‌کند.^۱

رفتارهای جدید «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا حاکی از این امر است که سقف تحریم‌های اقتصادی ایران پر شده و دیگر جایی برای کار کردن در این زمینه باقی نمانده است. بنابراین، او به سراغ تحریم‌های سیاسی رفته است.

گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل و کارشناس مستقل الجزایری، «ادریس جزایری»، در پایگاه اطلاع‌رسانی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تصریح کرده است: «تلاش برای براندازی حکومت‌ها از طریق اقدامات اقتصادی می‌تواند به نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها بیانجامد. این رویه هرگز یک رویه پذیرفته شده در روابط بین‌المللی نبوده است. اختلافات سیاسی بین دولت‌ها نباید از طریق ایجاد بحران‌های اقتصادی و انسانی حل و فصل شود.» وی در پایان افزوده است:

«سوءاستفاده یک ابرقدرت از برتری خود در عرصه‌های مالی بین‌المللی برای اعمال فشار بر متحدان خود به منظور ایجاد دشواری‌های اقتصادی برای کشورهای مستقل، خلاف قوانین بین‌المللی بوده و حقوق شهروندان آنها [کشورهای هدف تحریم] را به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر نقض می‌کند».^۲

جایگاه تحریم در منشور سازمان ملل متحد

منشور سازمان ملل سندی است که نحوه کار سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن را تعیین می‌کند. این سند در واقع در حکم اساسنامه سازمان ملل است. در چارچوب این منشور، نهاد شورای امنیت، وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی را بر عهده دارد. حیطة قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاسدار صلح، تصویب تحریم‌های بین‌المللی و اعطای اجازه استفاده از نیروی نظامی علیه کشورهای متخاصم است. تصمیم‌های این شورا

1. سالار نامدار وندایی، 81 آذر 1396، اندیشکده مطالعات راهبردی تبیین، قابل دسترسی در آدرس: <http://tabyincenter.ir/22556/>

2. ادريس جزایری، تسنیم، اردیبهشت 1398، قابل دسترسی در آدرس: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/02/17/2005915/>

به صورت قطعنامه‌های شورای امنیت اعلام می‌شود. مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است.¹

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ۱۹ آذر ۱۳۲۷، در قصر شایلو شهر پاریس، با ۴۸ رأی موافق، هشت رأی ممتنع و بدون مخالف به تصویب رسید و دارای یک مقدمه و سی ماده بود که حاوی حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بود که همه افراد در تمام کشورها باید از آن بهره‌مند شوند (اعلامیه جهانی حقوق بشر).

در مقدمه، بدیهیات و همچنین تفکراتی که الهام‌بخش نویسندگان اعلامیه بود، به طور کلی بیان شده است: «یگانگی خانواده بشری، شأن و منزلت انسان، حقوق اساسی (حقوق ثابت و انتقال‌ناپذیر) مرد و زن». به عبارتی، محتوای این اصول و تأمل در نتایج مصیبت‌بار بی‌توجهی و زیر پا گذاشتن حقوق بشر، توجه به رابطه منطقی رعایت این حقوق با استقرار قانون و آزادی در نظام‌های داخلی و برپایی صلح میان ملت‌ها، زمینه‌های فکری پدیدآورندگان این اعلامیه بوده است.²

در این اعلامیه، حیثیت ذاتی و حقوق مساوی و انتقال‌ناپذیر همه خانواده بشری، به عنوان شالوده آزادی، عدالت و صلح در جهان شناسایی شده و از سی ماده این اعلامیه، که بر اساس نگرش لیبرال و مادی‌گرا تدوین شده است، ۱۰ ماده به صراحت، به مفهوم تساوی حقوق بین همه افراد انسانی پرداخته است.

به طور کلی، مواد ۳ تا ۲۱ اعلامیه، درباره حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲۲ تا ۲۷ درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۲۸ تا ۳۰ اعلامیه، وجود سیستمی را که تحقق حقوق بشری در آن ممکن و میسر باشد، جزو حقوق اصلی بشر قلمداد کرده است. ابتدا نظم اجتماعی ملی و بین‌المللی را لازمه تحقق کامل حقوق و آزادی‌های ضروری دانسته، سپس به تکالیف فرد در قبال جامعه اشاره کرده و حد و مرز خاصی را مشخص کرده است که فرد نباید فراتر از آن گام نهد.³

1. توکل حبیب‌زاده، همان

2. هدایت‌الله فلسفی، تدوین و اعتلای حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، ش 17-16، 1374، ص 104

3. عالیہ ارفعی، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص 110

عدم مشروعیت تحریم

در مجموع می‌توان تحریم‌های یک‌جانبه را بر اساس معاهدات و حقوق بین‌الملل و موارد زیر نامشروع خواند:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به کرات اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به‌عنوان

وسيله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی محکوم کرده است. این مجمع از کشورهای صنعتی می‌خواهد از موضع برتر خود به‌عنوان ابزار اعمال فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار سایر کشورها استفاده نکنند.

منع مجمع عمومی سازمان ملل متحد	منع کنفرانس تجارت و توسعه ملل
منع دخالت در امور داخلی کشورها	نقض حقوق توسعه

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات قهرآمیز که علیه

کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد را محکوم می‌کند و همچنین تصریح می‌کند که تمام کشورهای توسعه‌یافته باید از اعمال محدودیت‌های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند.

تحریم یک‌جانبه، نقض حق توسعه کشورهاست. از آنجا که بر اساس اعلامیه وین در تاریخ ۴ تیر ۱۳۷۲ حق توسعه، به‌عنوان حق جدایی‌ناپذیر انسانی شناخته شده است؛ از این رو، می‌توان اقدامات تحریمی را ناقض این اصل مهم حقوق بشری دانست.

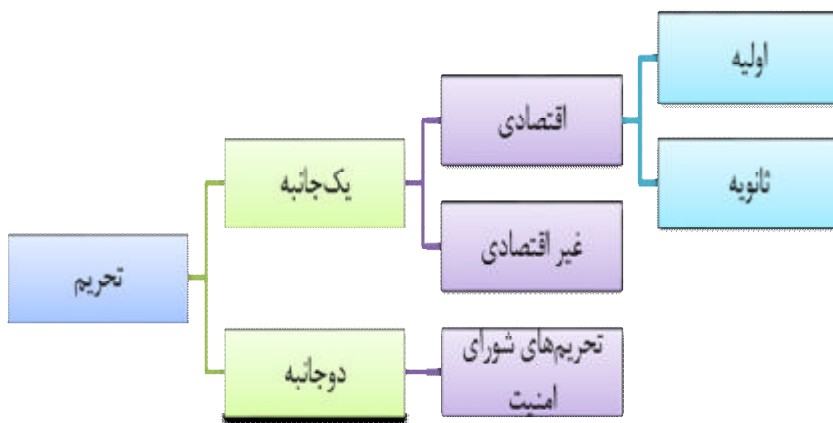
تحریم‌های یک‌جانبه مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورهاست. این مسأله ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد و همچنین ماده ۳۲ منشور می‌باشد. همچنین قطعنامه‌های ۴۷/۹ / ۵۰/۱۰ / مجمع عمومی نیز که اعمال مقررات فرا سرزمینی دولتی را منع می‌کند، با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نقض می‌شود.^۱



قانون داماتو و تقابل آن با اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها

برانلی استدلال می‌کند که اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل مظهر دکترین قانون اساسی راجع به حقوق ملت‌ها است که اصولاً حاکم بر یک جامعه متشکل از دولت‌ها با هویت واحد می‌باشد. چنانچه بتوان پذیرفت که حقوق لاینفک معینی که مؤلفه‌های اساسی و بنیادی حاکمیت یک دولت را می‌سازد، وجود دارد؛ بنابراین، سایر دولت‌ها نباید اختیارات خود را به‌منظور تضعیف این حقوق اعمال کنند.

بر اساس حقوق بین‌الملل، اصل تساوی دولت‌ها به‌عنوان پیامد ضروری نفی امپراتوری جهانی است و همچنین این ادعا که جامعه جهانی به وسیله قانون اداره می‌شود. هر دولت حاکم و مستقلی می‌تواند آزادانه حقوق ناشی از حاکمیت خود را به طریقی که با حقوق مساوی کشورهای دیگر در تعارض نباشد اعمال کند. هنکن^۱ متذکر می‌شود که منظور از تساوی دولت‌ها به‌عنوان یک اصل مسلم نظام اقتصادی آزاد، تساوی در حقوق و تعهدات است. مطابق نظر شوآرنبرگ^۲، تساوی دولت‌ها نتیجه طبیعی همزیستی دولت‌های حاکم است. اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان یک اصل عام مستلزم تساوی صلاحیت قضایی و احترام به شخصیت کشورها و رعایت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آنهاست. به همین منظور بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد اصل تساوی کشورهای عضو را در راستای پایداری نظم نوین جهانی و به‌عنوان اساس همبستگی ملل متحد به صراحت پیش‌بینی کرده است.^۳



1. Henkin
2. Schwarzenberger

دیوان دائمی داوری در دعوای مالکین نیروژی در سال ۱۳۰۱ اظهار داشت که حقوق بین‌الملل و عدالت مبتنی بر اصل تساوی دولت‌ها می‌باشد. اکنون این مسأله مورد تأیید است که یکی از مؤلفه‌های اصلی حاکمیت دولت‌ها این است که در درون محدوده داخلی کشورها اعمال می‌شود. فرامرزی بودن قانون اغلب این عکس‌العمل طبیعی را که تجاوز به حاکمیت کشورهای دیگر محسوب می‌شود، ایجاد می‌کند. این مفهوم مبتنی بر محدودیت‌های سرزمینی است که حقوق بین‌الملل به وجود می‌آورد تا دولت‌ها بر اموری که در محدوده قلمروشان واقع می‌شود اعمال صلاحیت کنند. استفاده از مجازات‌های اقتصادی به وسیله ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای تجاوزی آشکار به حق حاکمیت کشورهای دیگر و منافع مشروع شرکت‌ها و اتباع تحت صلاحیت آنها می‌باشد، که با محدود کردن حق حاکمیت آنها در تعقیب یک سیاست تجاری مستقل صورت می‌گیرد.

بنابراین، استقلال اقتصادی بخش اساسی حق حاکمیت است و هر گونه تهدید به چنین استقلالی در حکم تهدیدی به چنین حق حاکمیتی می‌باشد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مطابق قانون داماتو رابطه متقابل و همکاری واقعی می‌تواند از طریق تهدید به اجبار اقتصادی فراهم شود؟ به نظر می‌رسد که قانون داماتو توجهی به قواعد مربوط به رابطه متقابل و همکاری در حقوق بین‌الملل ندارد. در واقع، رابطه متقابل به‌عنوان یکی از اصول اساسی در ایجاد و تحقق اصول کلی حقوق بین‌الملل، با خود تعهدی را برای دولت‌ها به‌منظور همکاری برای ایجاد رابطه درازمدت - هنگامی که یک برداشت مشترک در منافع دوجانبه در میان دولت‌های حاکم و مستقل برقرار است - به همراه دارد. اگرچه رابطه متقابل خود یک اصل قانونی به شمار نمی‌رود، با وجود این انگیزه‌ای برای پذیرش تعهدات قانونی مطابق حقوق بین‌الملل می‌باشد.

قانون داماتو در تناقض آشکار با بند ۳ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد در مورد همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است، می‌باشد. به علاوه طبق بند ۴ ماده ۲ منشور «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از توسل به تهدید یا استفاده از آن بر ضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر کشور و یا از هر ارزش دیگر که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد، خودداری خواهند کرد.» همچنین قانون داماتو را می‌توان ناقض قطعنامه شماره ۲۶۲۵ مورخ ۲۰ مهر ۱۳۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان «اعلامیه حقوق

مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها و منشور سازمان ملل متحد دانست»، که به موجب آن کلیه دولت‌ها ملزمند که اختلافات بین‌المللی خود را با سایر دولت‌ها از طریق توسل به راه‌های مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و نیز عدالت به مخاطره نیافتند، حل و فصل کنند.

چنانچه بتوان اعلامیه مزبور را مبین وفاق عام جامعه بین‌المللی در مورد ترجمه اصول مشروحه در منشور سازمان ملل متحد در نظر گرفت، می‌توان این نتیجه را مسلم فرض کرد که قانون داماتو وسیله‌ای مناسب و صلح‌آمیز به منظور حل و فصل اختلافات بین ایران و آمریکا به شمار نمی‌رود و به همین دلیل ناقض تعهدات آمریکا بر اساس بند ۳ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد می‌باشد. قانون داماتو به علت برخوردار نبودن از مکانیسم مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات، می‌تواند موجب تشدید فشارهای بین‌المللی و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی شود که حفظ و نگهداری آن هدف اصلی جامعه بین‌المللی معاصر می‌باشد.^۱

تحریم سپاه

اقدام خصمانه دولت آمریکا در قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی، نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد و قواعد و قوانین آمره بین‌المللی بوده و شدیداً محکوم است. سپاه پاسداران بر اساس اصل ۱۵۰ قانون اساسی بخشی از نیروهای مسلح کشور بوده و جزء حاکمیت، امنیت و اقتدار کشور محسوب می‌شود و در چهل سال گذشته خدمات ارزشمندی برای کشور انجام داده و از افتخارات ملت ایران محسوب می‌شود.

دولت آمریکا با این اقدام، برخلاف قوانین داخلی خود، یعنی «قانون مهاجرت و ملیت و دستور ۱۳۲۲۴» عمل کرده است، زیرا سپاه پاسداران مشمول هیچ کدام از مواد و بندهای تعریف تروریسم نمی‌شود. این اقدام دولت آمریکا اشاعه هرج و مرج را در جهان به دنبال داشته و آتارشیسم را رواج می‌دهد، و نقض آشکار حقوق ملت ایران بوده و برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و رفتاری خلاف نظم جهانی است و صلح، آرامش و ثبات جهانی را تهدید می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران باید با استناد به بند ۴ و ۷ ماده ۲ و ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد از طریق مجمع عمومی، شورای امنیت و محاکم بین‌المللی اقدام خصمانه و خلاف قوانین بین‌المللی دولت آمریکا را پیگیری و از حقوق ملت ایران قاطعانه دفاع کند.

نتیجه‌گیری

استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک عمدتاً از اثربخشی چندانی برخوردار نیست و به همین دلیل تحریم‌کنندگان می‌کوشند تحریم‌ها را به‌صورت همه‌جانبه و با مشارکت تمام کشورها اعمال کنند تا احتمال موفقیت خود را افزایش دهند.

جمهوری اسلامی ایران تقریباً از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته است، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی‌سازی اورانیوم این تحریم‌ها وارد دور تازه‌ای شد. تحلیل‌گران و مقامات غربی هدف از تحریم‌ها را واداشتن جمهوری اسلامی ایران به متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای، محدود کردن توانایی ایران در دستیابی به اقلام و تجهیزات مورد نیاز برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای، واداشتن ایران به متوقف کردن حمایت از حزب‌الله و حماس، وادار کردن ایران به رعایت حقوق بشر، محدود کردن حوزه نفوذ ایران در منطقه و در مجموع به نظر برخی از سیاست‌گذاران آمریکایی، ایجاد تغییر بنیادین در رویکردها و سیاست‌های ایران ذکر کرده‌اند.

اقدامات یک‌جانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است که مستلزم احترام به اصول سیاسی حقوق بین‌الملل یعنی تساوی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. تحریم‌ها به دلیل عدم برخورداری از مشروعیت، فاقد وجهت بین‌المللی می‌باشند. به همین دلیل در فرآیند تحریم‌های بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی از قبیل مشروعیت، ضرورت و تناسب آنها و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی بی‌گناه، توجه ویژه‌ای معطوف داشت.

پیوند ملاحظات و ارزش‌های اخلاقی با ایده اعمال حقوق بین‌الملل از طریق تحریم‌ها و نظارت مؤثر بر آنها در استفاده از تحریم‌های اقتصادی، امری ضروری است. نظام بین‌الملل کنونی به علت عدم وجود یک مقام و مرجع جهانی و نظارت بر دولت‌های ملی مستلزم احترام متقابل و نزاکت به‌منظور همکاری بین دولت‌هاست. جامعه بین‌المللی باید در جستجوی چارچوبی مشترک به‌منظور تأمین یک نظام مجازات قابل اعمال جهانی با اهداف مشترک باشد.

در همین راستا، فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به شورای امنیت به‌عنوان ارگان امنیت جمعی، وظیفه تشخیص تهدید بر علیه صلح و یا عمل تجاوز را بر اساس ماده ۳۹ و

اتخاذ مکانیسم اجرایی مقتضی به موجب مواد ۴۱ (عدم توسل به نیروی مسلح) و ۴۲ (توسل به نیروی مسلح) منشور را تفویض کرده است. مجازات‌های وضع شده به‌وسیله شورای امنیت که بر اساس مقررات فصل هفتم منشور اتخاذ می‌گردد برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد به استناد ماده ۲۵ منشور که اساس نظام امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، لازم‌الرعا می‌باشد. به علاوه بر اساس بند ۲ ماده ۴۸ منشور، اعضای سازمان متعهد به اجرای قطعنامه‌های اتخاذ شده به‌وسیله شورای امنیت هستند.

وظیفه اجرای تصمیمات شورای امنیت در بند ۱ ماده ۲۴ منشور نیز منعکس شده است که به موجب آن اعضای سازمان به‌منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار کرده و موافقت می‌کنند که شورا از طرف آنها اقدام کند. بدون تردید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است.

تحریم‌ها از منظر سیاستمداران غربی ابزارهایی با اغراض خصمانه هستند که به‌منظور تغییر رفتار کشورها و دستیابی به اهداف سیاسی تعریف شده‌اند و عموماً برای وارد کردن خسارت و هزینه به اقتصاد کشور هدف، طراحی و پیاده‌سازی می‌شوند. ایران اسلامی از جمله کشورهایی است که بارها از سوی آمریکا به بهانه نقض تعهدات بین‌المللی تحت تحریم‌های یک‌جانبه قرار گرفته است.



منابع و مآخذ

1. کتب و مقالات

- ارفعی، عالیہ، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
- حبیب‌زاده، توکل، تحریم در منشور سازمان ملل، فصلنامه مطالعات حقوقی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، ۱۳۹۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- فلسفی، هدایت‌الله، تدوین و اعتلای حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۷-۱۶، ۱۳۷۴.
- نیکوگفتار صفا، حمیدرضا و علی ردادی، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر الگوی اردن)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۹۴.

2. سایت‌های اینترنتی

- باشگاه خبرنگاران جوان، جایگاه دادگاه لاهه در جامعه بین‌الملل، ۶ شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در آدرس:
<https://www.yjc.ir/fa/news/6647122>
- جزایری، ادریس، تسنیم، اردیبهشت ۱۳۹۸، قابل دسترسی در آدرس:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/02/17/2005915/>
- خبرگزاری مشرق، ۱۱ مهر ۱۳۹۷، چرا حکم دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا مهم است؟، قابل دسترسی در آدرس:
<https://www.mashreghnews.ir/news/899167/>
- گوهری مقدم، ابوذر، سایت بصیرت، ۱۵ اسفند ۱۳۸۷، قابل دسترسی در آدرس:
<https://basirat.ir/fa/news/78129/>
- نامدار وندایی، سالار، ۸۱ آذر ۱۳۹۶، اندیشکده مطالعات راهبردی تبیین، قابل دسترسی در آدرس:
<http://tabyincenter.ir/22556/>
- بسایت رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۰۴/۰۱، قابل دسترسی در آدرس:
<http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=12800>
- وکیل، امیرساعتد، ۱۳۹۲، تحریم در حقوق بین‌الملل، وکالت آنلاین، قابل دسترسی در آدرس:
<https://www.vekalatonline.ir/articles/34439/>

